



عقل جزئی مورد انتقاد مولاناست / انتقاد از عقل جهان امروز

رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه عقل جهان امروز، صد در صد دنیوی است؛ در حالی که عقل، عقل اخروی و الهی هم هست، گفت: اگر عقل را به عقل جزئی محدود کنیم مورد انتقاد مولانا هستیم.

رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران با بیان اینکه عقل جهان امروز، صد در صد دنیوی است؛ در حالی که عقل، عقل اخروی و الهی هم هست، گفت: اگر عقل را به عقل جزئی محدود کنیم مورد انتقاد مولانا هستیم. دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد جایگاه عقل در اندیشه مولانا گفت: بهترین بحث‌ها در مورد عقل متعلق به مولاناست. دو گونه عقل معاش و عقل معاد وجود دارد: عقل جزئی و عقل کلی. مولانا عقل معاش بدون عقل معاد سرزنش می‌کند عقل دنیوی و جزئی را مورد انتقاد قرار می‌دهد عقلی که فقط و فقط به دنیا می‌پردازد نه اینکه این علوم بد باشد، اما عقلی که فقط به این امور بپردازد و مشغول باشد مورد طعن مولاناست؛ مثل عقل جهان امروز.

وی با بیان اینکه عقل جهان امروز، صد در صد دنیوی است؛ در حالی که عقل، عقل اخروی و الهی هم هست، تصریح کرد: البته ما دو عقل نداریم؛ در واقع یک عقل است اما در دو جهت کار می‌کند گاهی به سوی حق و مبادی و آخرت میل می‌کند و گاهی هم به سوی دنیا میل دارد. هر دو خوب و لازم است اما اگر عقل را به عقل جزئی محدود کنیم مورد انتقاد مولانا هستیم. می‌گوید: عقل دو عقلست اول مکسبی/ که در آموزی چو در مکتب صبی* عقل دیگر بخشش یزدان بود/ چشمه آن در میان جان بود. یا می‌گوید: غیر عقل و جان که در گاو و خر است/ آدمی را عقل و جان دیگر است* باز غیر عقل و جان آدمی/ هست جانی در ولی آن دمی.

رئیس انجمن بین‌المللی فلسفه اسلامی در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه عقل دارای مراتبی است عده‌ای هستند که عقل را به پایین‌ترین مراتب آن محدود می‌کنند، اظهار داشت: مثلاً می‌گوید: عقل جزئی را وزیر خود مگیر/ عقل کل را ساز ای سلطان وزیر. پس اینها مذمت عقل نیست اگر به عقل جزئی دنیوی صرف محدود شویم مورد انتقاد مولانا هستیم که بیشتر مردم این کار را می‌کنند و اهل دنیا هستند یا در جای دیگر می‌گوید: عقل جزئی عشق را منکر بود/ گرچه بنماید صاحب سر بود* زیرک و داناست اما نیست نیست/ تا فرشته لا نشد اهریمنی است.

نویسنده کتاب «؛اهمیت فلسفه در جهان معاصر؛ تأکید کرد: یا در جای دیگر در مورد عقل جزئی می‌گوید: اگر انسان عقل خود را دنیوی و جزئی قرار دهد از آخرت و خداوند باز می‌ماند. زین خرد جاهل همی باید شدن/ دست در دیوانگی باید زدن. مولانا این را عقل دوراندیش می‌داند اگرچه خوب است، اما کافی نیست. می‌گوید: آزمودم عقل دوراندیش را/ بعد از این دیوانه سازم خویش را، اما در واقع تمام عالم مبتنی بر عقل و عقلانیت است. مولانا اشعاری دارد که اثبات می‌کند که به هر جهت تمام عالم براساس عقل بنا شده است.

وی در مورد داستان «؛استون حنانه؛ اظهار داشت: مثلاً می‌گوید: پای استدلالیان چوبین بود/ پای چوبین سخت بی تمکین بود! همین استدلالیان منظور عقل استدلالی است. منظور مولانا این است که استدلال درست است اما پایان راه نیست. افرادی که قادل به و عقل استدلالی هستند عقل استدلالی را پایان می‌دانند و بالاتر از آن به چیزی قادل نیستند در حالی که عقل الهی شهودی بالاتر است یعنی آنها عقل را محدود به عقل استدلالی کردند، چون عقل جزئی عقل استدلالی است اما یک عقل شهودی داریم.

عضو هیئت مدیره فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های فلسفه جهان تصریح کرد: مثلاً شما چیزی را استدلال می‌کنید که آنرا ندیده باشید وقتی دیدید احتیاج به استدلال وجود ندارد. دیدن بالاتر از استدلال است، مادامی که ندیدید استدلال می‌کنید. پس دیدن نه دیدن با چشم سر بلکه با چشم دل و به حقایق رسیدن بالاتر است. اینکه انسان به حقایق برسد و واصل شود و ببیند چون علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین وجود دارد.

وی افزود: استدلال ممکن است انسان را به علم‌الیقین برساند، اما ممکن است در استدلال اشتباه صورت گیرد و اصلاً به علم نرسند و به جای آن به جهل برسند می‌توان استدلال را در هر راهی به کار برد؛ آنهایی که منکر خداوند هستند برای انکار وجود خداوند استدلال می‌کنند، پس استدلال فی نفسه نیست، اگر تأیید الهی به دنبال استدلال نباشد نتیجه‌ای نخواهد داشت: اولاً باید تأیید الهی باشد تا انسان بتواند به اطمینان برسد. ثانیاً اگر در نهایت، استدلال درست و با تأیید الهی همراه باشد علم‌الیقین خواهد شد اما بالاتر از علم‌الیقین، به تعبیری که قرآن دارد عین‌الیقین است و بالاتر از آن حق‌الیقین است. عرفان مبتنی بر حق‌الیقین است یعنی لااقل بر عین‌الیقین است و علم‌الیقین را برخلاف بسیاری از علما که نهایت می‌دانند کافی نمی‌دانند.

اعوانی در ادامه سخنانش تصریح کرد: همان طور که گفتم استدلال می‌تواند در هر راه صورت گیرد؛ بسیاری از کسانی که منکر خداوند هستند برای امر باطل استدلال می‌کنند پس صرف استدلال مسلم نیست. مشخص نیست که اگر مواد و راه درست نباشد انسان نتیجه درستی گیرد، حتی اگر نتیجه درستی گیرد به علم‌الیقین می‌رسد ولی فراتر از اینها هم هست. مولانا علم استدلالی را به فرض اینکه به یقین برسد علم تقلیدی می‌داند و علم عرفا علم تحقیقی است.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی بیان کرد: مولانا می‌گوید: از محقق تا مقلد فرقه‌هاست/ کان چو داوود است و آن دیگر صداست* محقق یعنی کسی که صاحب علم تحقیقی و صاحب حق‌الیقین است یا در جای دیگر می‌گوید: علم تقلیدی بود بهر فروخت/ چون بیامد مشتری خوش برفروخت* مشتری علم تحقیقی، حق است/ دائماً بازار او با رونق است. علم تقلیدی برای دکانداری است، و وقتی مشتری بیاید دکاندار خیلی خوشحال می‌شود، اما مشتری علم تحقیقی خداست یا مثلاً می‌گوید: علم تحقیقی، علم اهل دل و اصحاب قلوب و علم تقلیدی علم اهل تن و دنیوی است. علم‌های اهل دل حمالشان/ علم‌های اهل تن احمالشان* علم چون بر دل زند یاری شود/ علم چون بر تن زند ماری شود* علم کان نبود ز هو بی واسطه/ آن نباید همچو رنگ ماشته.

وی در پایان سخنانش خاطرنشان کرد: علم حقیقی، علم لدنی است اما علمی که از طرف خدا نباشد همانند رنگ ماشته(رنگی که مشاتان بزک می‌کنند و با شستن از بین می‌رود) از بین می‌رود، است. خویش را صافی کن از اوصاف خود/ تا ببیند ذات صاف پاک خود* بینی اندر دل علوم انبیاء/ بی کتاب و بی معید و اوستاد. برای رسیدن به این علم انسان باید تزکیه نفس کند.